

صیانت از رفح در زمین حریف



زینب مزوقی خبرنگار گروه نقد روز

«تمام چشم‌ها به رفح دوخته شده است» این جمله پوستری بود که مردم در واکنش به نسل‌کشی صورت گرفته در رفح، آن را در استوری‌های اینستاگرامی‌شان بازگذاری می‌کردند. آغاز کننده این پویش یک اکانت ۲۶ هزارتایی است. پسر جوان مسلمان که در بیو و قسمت توضیحات صفحه اینستاگرام خود پرچم دو کشور «سنگاپور و مالزی» را قرار داده است. شرکت‌کنندگان اولیه پویش، مالزی‌ها و سنگاپوری‌ها بودند اما رفته‌رفته آنقدر پوستر چرخیده که چشم‌های بیشتری نگران رفح شدند و ایرانی‌ها هم به کمپین اعلام همبستگی نسبت به وضعیت رفح پیوستند. بسیاری از چهره‌های هنری چه در حوزه موسیقی و چه در حوزه سینما و تلویزیون، پوستر را به اشتراک گذاشتند. وضعیت استوری‌های اینستاگرام به شکلی بود که تقریباً هر استوری که باز می‌شد، در این پویش شرکت کرده بود. در نهایت پویش «تمام نگاه‌ها به رفح دوخته شده است» روز گذشته مرز ۴ میلیون شدن را رد کرد. کاربران اینستاگرام و افرادی که در پویش شرکت می‌کردند، قول داده بودند تا زکورد ۲۵ میلیونی شدن یعنی پرتعدادترین پویش صورت‌گرفته در این شبکه اجتماعی را بشکنند و همین هم شد. این درحالی اتفاق افتاد که الگوریتم اینستاگرام پس از ۲۳ هزارتایی شدن این پویش، محدودیت‌هایش را اعمال می‌کرد و امکان داشت که بازدید استوری این پویش نیز پایین بیاید. با این وجود اما پویش رفح ۴۰ میلیونی شدن را هم رد کرد. مدونیت و پیشرفت تکنولوژی، حتی روی شکل و سیاق اعتراضات افراد و جوامع نسبت به ظلم و استبداد در برابر مظلوم نیز تأثیرگذار بوده است. یعنی اقتضای انسان امروزی، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تأثیر رسانه بر بسیاری از تصمیمات سیاسی و غیرسیاسی در جهان این است که بخشی از حق‌خواهی و مطالبه‌گری خود را نسبت به یک امر، از طریق بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیش ببرد. قصه واکنش نسبت به اوضاع این روزهای رفح و اعتراض به نسل‌کشی آشکار صهیونیست‌ها دقیقاً مساله‌ای از این جنس بود. اما ما ایرانی‌ها وقتی موقعیت خودمان با این پویش را بررسی می‌کنیم، مجدداً این مساله مطرح می‌شود که انگار تکلیف‌مان با شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام یا حتی توئیتر مشخص نیست، یعنی سیاست کلی ما در اداره فضای مجازی، همچنان اینستاگرام تهدید می‌بیند یا بالآخره پذیرفته که در تعریف نسبت‌مان با کل جهان، این تهدید را می‌توان فرست دید؟ درست وقتی که جوان ایرانی، باید در فضای مجازی نسبت به قتل عام‌های جاری در غزه و رفح واکنش نشان دهد و خود را از معترضان به این نسل‌کشی معرفی کند، درگیر وصل شدن یا نشدن فیلترشکن است و شاید حتی امکان دارد چندین روز فیلترشکنش هم وصل نشده باشد و از قافله تبری جویی از اشنقیا و خونخواران عالم هم عقب مانده باشد. روزهای ابتدایی آغاز جنگ ۷ اکتبر، به شوخی می‌گفتم حلاله که ما ایرانی‌ها باید در جهان هشتگ «فلسطین آزاد» را بالا بیاوریم و در دیده شدن درد مردم غزه به جهانیان به قدر سهم خودمان، کار را پیش ببریم باید درگیر وصل شدن و قطع شدن فیلترشکن‌هایمان می‌بودیم و میدان دعا برای آزادی غزه، برای رفح فیلتر شبکه‌های اجتماعی هم باید دعا می‌کردیم. این کمپین به وضوح سیاست فعلی متناقض در برابر صیانت را برای بار دیگر به رخ کشید. وقتی می‌توان از فرصت شبکه‌های اجتماعی و اینستاگرام برای ایراد انزجار از رژیم منحوس صهیونیستی استفاده کرد، چرا باید همواره این فرصت را در قالب تهدید ببینیم و اجازه دسترسی راحت را از کاربران بگیریم؟



۷ اکتبر فرصتی شد تا بسیاری از ما، معنای واقعی «انسان رسانه» را بفهمیم. بسیاری از اهالی غزه که کار رسانه‌ای انجام داده بودند یا در سطح اینستاگرام، عدد دنبال‌کنندگان‌شان قابل توجه بود؛ هر کدام‌شان به یک رسانه‌ای برای رساندن صدای مظلوم‌شان تبدیل شد، یعنی فضای مجازی جای تمام روزنامه‌های چاپ‌نشده غزه در روزهای جنگ و آوار

بد رژیم در «افکارعمومی بین‌المللی» بنویسد و برای چاره‌راهی آمریکا شود. یکی از موضوعات اصلی سفر او، مهار پلنفرم‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تیک‌تاک علیه جنایت صهیونیست‌ها بود. بنت در شبکه ایکس (تویتر سابق) نوشت «در شبکه تیک‌تاک محتوای طرفدار فلسطین و گروه حماس ۱۵ برابر بیشتر از محتوای طرفدار اسرائیل دیده می‌شود.»

پس از این سفر بود که کنگره آمریکا برای مهار تیک‌تاک، مصوب کرد که باید تیک‌تاک به یک شرکت آمریکایی فروخته شود و اگر چنین نشود این شبکه در آمریکا فیلتر می‌شود. عکاس‌ها، بلاگر، اینفلوئنسرهای مبارز غزه و شهروندان عادی حتی، از طریق همین فضای مجازی توانستند که احساسات سایر مردم جهان را درگیر خود کنند تا جایی که جوانی اهل مالزی، پویشی برای مردم رفح به راه بیندازد و مردم سایر کشورها را با خود همراه می‌کند. اما اگر آغازکننده پویش یک جوان ایرانی بود، سرنوشت این پویش چه می‌شد؟ چند هزار یا چند میلیون نفر با محدودیت‌های موجود در دسترسی به فضای مجازی می‌توانستند در این پویش شرکت کنند؟ چند ملیت را درگیر خود می‌کرد؟ یا اصلاً شاید بهتر باشد پرسیم، در ویراستی، این‌ها یا سایر شبکه‌های اجتماعی داخلی تا چه اندازه فرصت انجام چنین پویشی داریم و آیا از طریق شبکه‌های اجتماعی داخلی، امکان جهانی شدن پویشی شبیه به این پویش را داریم؟

متأسفانه واقعیت این است که درک درستی از نیاز به دسترسی راحت به شبکه‌های اجتماعی توسط عده‌ای، وجود ندارد. یعنی همه جهان از شدت ظلم و خونخواری رژیم صهیونیستی انگشت به دهان است و هرکسی از هر کجای جهان، در فضای مجازی صدای مظلومیت کودکان رفح می‌شود، متولیان اداره شبکه‌های مجازی ترجیح می‌دهند و ایده‌آل‌شان این است که جوان ایرانی در همان این‌ها و ویراستی فعالیت کند و واکنش‌هایش حتی برای طرفداری از یک مساله جهانی هم در همان فضای خودمانی صورت بگیرد.

رهبر معظم انقلاب در حاشیه بازدید از نمایشگاه کتاب امسال با وجود اینکه خاطرنشان کرده بودند نباید فضای مجازی جای کتاب را بگیرد اما باز هم تأکید داشتند که فعالان فضای مجازی در زمینه‌های مختلف، کتاب‌های مفید را معرفی کنند.

اگرچه احتمال دارد پیشرفت تکنولوژی و سیر در فضای مجازی، مساله کتاب و کتابخوانی را از اولویت خارج کرده باشد. اما این سخن رهبر انقلاب نشان می‌دهد که ایشان دقیقاً بر فرصت و غنیمت شمردن فضای مجازی تأکید دارد و با وجود اینکه نسبت به فعالیت در فضای مجازی هشدار می‌دهند اما فضای مجازی را به عنوان بستری برای پیشبرد اهداف درست و سیاست اصولی مدنظرمان مثلاً در حوزه‌ای مانند فرهنگ، کاملاً موثر می‌دانند.

واقعیت این است با وجود اینکه پویش «تمام چشم‌ها به رفح دوخته شده است» از سوی کاربران ایرانی آغاز نشده بود اما در پیوستن به این پویش، یک همدلی ملی به وجود آمد و چهره‌هایی به این پویش پیوستند که پیش از این پویش، برخی از آنها به مساله غزه واکنشی نشان نداده بودند. برای همین در این پویش شاهد یک همدلی نسبت به یک مساله جهانی بودیم و سهم ایرانی‌ها از میان آن ۴۰ میلیون نفر شرکت‌کننده، قابل توجه است. بنابراین باید اعتراف کرد که اساساً مساله موجود فیلترینگ، پیچیده‌تر از بستن و باز کردن است. مساله تعریف و نسبت ما در جهان است. مشارکت در امری مانند اعتراض به یک نسل‌کشی آشکار، آياتیاد و فرصت به وجود آمدن همدلی جمعی چه سوگ و چه یک شادی ملی است. یعنی در بررسی وضعیت موجود فیلترینگ؛ نباید تنها اجازه دسترسی راحت یا سخت را در نظر گرفت، بلکه باید پرسید که سیاست موجود، کدام فرصت‌ها را از ما دریغ خواهد کرد و اجازه تعریف نشدن در کدام اجتماع‌های مجازی از ما گرفته خواهد شد؟

نقد روز

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۱۵۱

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

روسیه می‌گوید ناتو حمله اتمی به این کشور را تمرین کرده است

جهان اتمی



فاطمه پروماتی خبرنگار گروه جهان‌شهر

«ولادیمیر کولینسک» رئیس سرویس مرزی امنیت فدرال روسیه روز سه‌شنبه درباره مانورهای هسته‌ای ناتو در نزدیکی مرزهای روسیه موضع‌گیری کرد. او می‌گوید ناتو در حال انجام و تمرین مانورهای اتمی در نزدیکی مرزهای این کشور برای حمله به روسیه است. کولینسک هشدار داده علاوه بر این تمرینات سناریوهایی برای انجام عملیات ضربتی علیه فدراسیون روسیه به وسیله سلاح‌های اتمی با توجه به جنگ اوکراین وجود دارد. احتمال استفاده از تسلیحات هسته‌ای در جنگ اوکراین از ابتدای وقوع جنگ مطرح بوده است. دلیل آن نیز اتمی بودن یکی از طرفین جنگ یعنی روسیه است. در برهه‌های مختلفی از جنگ کارشناسان هشدار داده‌اند در صورت برخورد روس‌ها به بن‌بستی جدی در اوکراین آنها دست به سلاح هسته‌ای خواهند برد.

در طرف مقابل اوکراینی‌ها اما فاقد تسلیحات هسته‌ای هستند. این مساله اما به معنای دست بسته بودن کی‌یف نیست. آنها تاکنون دو راه پیش روی خود داشته‌اند؛ حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای در مناطق روس‌نشین جنوب اوکراین که توسط روسیه تصرف شده یا حمله با بمب‌های کثیف. بمب‌های کثیف به لحاظ انفجاری معمولی به حساب می‌آیند اما دارای مقادیری اورانیوم غنی شده هستند که این مساله باعث می‌شود منطقه وسیعی به مواد رادیو اکتیو آلوده شود. به مرور بحران هسته‌ای ناشی از جنگ اوکراین اما گسترده‌تر شد و ناتو را نیز در بر گرفت. حالا طبق گفته روس‌ها، غرب می‌خواهد زودتر از روسیه وارد عرصه تقابل هسته‌ای شود.

روند تقابل

ژوئن ۲۰۲۳ خبری مبنی بر انتقال و استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی روسیه به بلاروس منتشر شد. در پی این اقدام بسیاری از تحلیلگران که آینده پرتنش را برای جنگ اوکراین پیش‌بینی می‌کردند، ورود به عرصه جدیدی از جنگ را اعلام کردند. اندیشکده آمریکایی ریسپانسیبل استیت کرافت در رابطه با انگیزه‌های پشت پرده کشور روسیه از این اقدام، سناریوهای قابل توجهی را مطرح کرد. به گفته این اندیشکده پوتین می‌دانست در صورت ورود کشورهای غربی به جنگ یا تصویب حمایت‌های بیشتر آمریکا برای



اوکراین، دشمن از خطوط قرمز عبور می‌کند. در آن برهه احتمال داشت همان‌گونه که روسیه، اوکراین را به عنوان متحد غرب و دیواره دفاعی شرقی اروپا طعمه جنگ کرده بود، ناتو نیز بلاروس را به عنوان متحد روسیه و دیواره دفاعی غربی این کشور مورد حمله قرار دهد. استقرار سلاح‌های هسته‌ای روسیه در بلاروس نشان داد هر دو لژی که بخواهد مینسک را به چالش بکشد احتمال دارد با سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی مجازات شود. البته این بازی صرفاً از جانب روسیه دنبال نشده و کشورهای حامی اوکراین نیز بارها در طول جنگ نسبت به اقدامات پوتین واکنش نشان داده و اعلام کرده‌اند آماده ورود به عرصه مقابله هسته‌ای هستند.

سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی روسیه ۱۰ برابر آمریکا

درحال حاضر خطر بروز جنگ هسته‌ای بیشتر از آنکه مربوط به سلاح‌های استراتژیک باشد مربوط به تسلیحات تاکتیکی است. به سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی سلاح‌های هسته‌ای غیراستراتژیک نیز می‌گویند که بیشتر شامل کلاهک‌های هسته‌ای کوچک هستند. تجهیزات همچون موشک‌های کوتاه‌برد، گلوله توپخانه، مین‌های زمینی، موشک‌های عمقی و بمب‌های گراندمی جزء سلاح‌های هسته‌ای غیراستراتژیک هستند. این سلاح‌ها بالعکس سلاح‌های استراتژیک که موجودیت یک سرزمین یا کشور را به کلی نابود می‌کند، قدرت کمتری دارند و بدون ایجاد تخریب گسترده

اهداف دشمن را مورد هدف قرار می‌دهند. تا سال ۲۰۲۳ هیچ سلاح هسته‌ای تاکتیکی در موقعیت‌های جنگی استفاده نشده است. مسکو هم تا به الان اطلاعاتی درخصوص تعداد این سلاح‌ها منتشر نکرده است اما واشنگتن مدعی شد که آمار این دسته از سلاح‌های روسیه حدود ۱۰ برابر آمریکاست. اگر برای یک مقایسه آسان تعداد سلاح‌های هسته‌ای روسیه و آمریکا را به طور مشابه ۵ هزار در نظر بگیریم، تعداد سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی روسیه ۲ هزار مورد و آمریکا تنها ۲۰۰ مورد است. به عبارتی دیگر قدرت تخریب زرادخانه هسته‌ای آمریکا بیشتر از روسیه است اما برای روس‌ها انعطاف بیشتری دارد. دلیل این تفاوت به وضعیت متفاوت این دو کشور بازمی‌گردد. تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی برای ضربات محدود به نیروهای نظامی و پادگان‌ها به کار می‌روند. از آنجا که روسیه در معرض هجوم زمینی دشمن قرار دارد به چنین سلاح‌هایی نیاز بیشتری دارد اما آمریکا با تهدید سرزمینی مشابهی روبه‌رو نیست. واشنگتن ۲۰۰ سلاح هسته‌ای تاکتیکی را نیز بیشتر برای کاربرد در دیگر مناطق جهان از جمله شرق اروپا و شبه جزیره کره تولید کرده است.

قدرت بازدارندگی اتمی

با توجه به آنچه مقامات روس گفته‌اند، روسیه درخصوص استقرار تجهیزات سلاح‌های هسته‌ای غیراستراتژیک در بلاروس همان مسیر را طی خواهد کرد که آمریکا سال‌ها در بلژیک، هلند، ترکیه و آلمان انجام داد. این کشورها دهه‌ها میزبان تسلیحات هسته‌ای آمریکا بوده‌اند. قدرت‌نمایی‌های هسته‌ای در جنگ میان دو کشوری که هر دو توان استفاده از تجهیزات هسته‌ای را دارند به نوعی می‌تواند نشان از دست برتر در میدان نبرد باشد. پیامد دیگر نیز مربوط به ایجاد قدرت بازدارندگی است. سال‌هاست که کشورها از تجهیزات هسته‌ای برای ایجاد قدرت بازدارندگی خود استفاده می‌کنند. رئیس‌جمهور فرانسه ماه گذشته در مصاحبه خود به این وجه از تجهیزات هسته‌ای کشورهای اروپایی نیز اشاره کرد. فرانسه نیز همچون بسیاری دیگر از کشورها، توانمندی دستیابی و استفاده از سلاح اتمی را یکی از ابعاد ایجاد قدرت بازدارندگی کشورش می‌داند. با توجه به حجم بالای تهدیدات هسته‌ای دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای نسبت به دیگر دولت‌ها، آنچه واضح است ورود عرصه نظام بین‌الملل به عرصه تقابل‌های هسته‌ای است؛ حتی اگر یک موشک نیز شلیک نشود.